

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال یازدهم، شماره چهل و یکم، زمستان ۱۳۹۷

ص ص ۶۶-۶۳

بررسی مقایسه‌ای میزان گرایش به ورزش‌های همگانی شهرهای
خلخال و هسجین با در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی و اجتماعی

صمد عابدینی^۱

جعفر ابراهیمی^۲

رامین اصفهانی هسجین^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۱

چکیده

این پژوهش با هدف مقایسه میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خخلال و هسجین بر حسب وضعیت اقتصادی- اجتماعی، در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۵ انجام شده است. روش پژوهش؛ پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها؛ پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری پژوهش شامل؛ کلیه شهروندان شهرهای خخلال و هسجین می‌باشند که طبق آمار ارائه شده توسط اداره ثبت احوال شهرستان خخلال؛ ۴۷۸۴۸ نفر در قالب ۱۳۱۵۶ خانوار در شهر خخلال و ۷۳۱۵ نفر در قالب ۱۹۸۴ خانوار در شهر هسجین، ساکن هستند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد نمونه آماری مطابق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خخلال و هسجین بر حسب وضعیت اقتصادی- اجتماعی، متفاوت هست. و در هر دو شهر، میزان گرایش افراد به ورزش‌های همگانی بر اساس شاخص‌های وضعیت اقتصادی- اجتماعی (درآمد، نوع شغل، سطح تحصیلات، مشارکت اجتماعی، نوع غذاهای مصرفی و استفاده از کالاهای فرهنگی) متفاوت است. **واژگان کلیدی:** ورزش‌های همگانی، وضعیت اقتصادی- اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نوع غذاهای مصرفی، استفاده از کالاهای فرهنگی.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد خخلال، دانشگاه آزاد اسلامی، خخلال- ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: abedinisamad@gmail.com

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد خخلال، دانشگاه آزاد اسلامی، خخلال- ایران. E- mail: ebrahimi_aukh@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، واحد خخلال، دانشگاه آزاد اسلامی، خخلال- ایران.

E- mail: esfahanirammin3644@gmail.com

مقدمه

امروزه ورزش در سراسر جهان جزئی جدا نشدنی از فرهنگ، آموزش و علم است. با ماشینی شدن و بی‌تحركی زندگی جوامع، ورزش‌های همگانی یکی از شیوه‌هایی است که، افراد می‌توانند با استفاده از آن بر فشارهای جسمی، روانی و اجتماعی فائق آیند (غفوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۵). سازمان بهداشت جهانی، سه شاخص برای سنجش سلامت و تندرستی بین ملل مختلف، ارائه کرده است (بیماری‌ها، مرگ و میر و کامیابی) که این مسئله باعث شده تا کشورهای جهان بکوشند با اقدامات مناسب به هنجارهای مطلوبی در سه شاخص یاد شده دست یابند (گائینی، ۱۳۸۷). از لحاظ تعداد شرکت کنندگان در ورزش همگانی، تعداد شرکت کنندگان در ورزش همگانی در سال ۱۳۷۹ در ژاپن ۶۸ درصد، سوئد ۵۰، استرالیا ۵۲، دانمارک ۴۵، هنگ‌کنگ ۵۴ درصد و در سال ۱۹۹۸، نروژ ۴۱، سنگاپور ۳۸، فرانسه ۳۵، چین ۳۳، ایتالیا و جمهوری چک ۳۳، یوگسلاوی، فیلیپین و اسپانیا ۲۰ درصد بوده است و ایران با ۵/۹۲ درصد در رده آخر قرار دارد (مظفری و دیگری، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۱). از ورزش‌های همگانی و تفریحی می‌توان به عنوان بخش مهمی از این راهبرد یاد کرد. زیرا ورزش‌های همگانی دارای ماهیتی تفریحی، آزادانه و انتخابی بوده و همین امر سبب شکل‌گیری اثرات مختلف آن از قبیل؛ سلامت جسمانی و روانی، لذت-بخشی و با نشاط بودن گردیده است (زنگی‌آبادی، ۱۳۸۸: ۴۵).

گسترش و توسعه ورزش‌های همگانی و تفریحی، از سیاست‌هایی که از سال ۱۹۷۰ میلادی به شدت مورد توجه همه، دولت‌ها قرار گرفته است. زیرا سطح سلامت جامعه به ورزش‌های همگانی مرتبط است. گروه‌های اجتماعی و سنی می‌توانند در آن شرکت کنند و دولت‌ها نیز می‌کوشند با انواع وسایل تبلیغی و ارتباط جمعی در این زمینه گام بردارند. به همین دلیل، قرن بیستم به قرن ورزش‌های المپیک معروف بود. ولی قرن بیست و یکم به ورزش‌های همگانی معروف شده است و دولت‌های اروپایی زیادی در این زمینه اقدام‌های وسیعی انجام داده‌اند و به ورزش‌های همگانی توجه زیادی دارند (قره، ۱۳۸۳: ۳۱).

مفهوم ورزش‌های همگانی که شامل دامنه سنی سه تا بالای هفتاد سال می‌شود، انواع مختلف فعالیت‌های جسمی اعم از بازی‌های غیر منظم و خودجوش بومی تا تمرین‌های بدنی منظم را در بر گرفته که شامل ورزش صبحگاهی، فعالیت در پارک‌ها و فضای باز، کوه‌پیمایی یا کلاس‌های آمادگی جسمانی می‌شود و عموماً به ورزش‌های گروهی غیر رقابتی و بدون هزینه و یا ارزان قیمت اطلاق می‌گردد (ممتاز بخش، ۱۳۸۴: ۱۴). ورزش همگانی پرداختن عامه مردم به ورزش حتی در زمانی کوتاه با توجه به امکانات موجود و شرایط افراد است و در این میان وظیفه اصلی سازمان تربیت بدنی و نهادهای ذی‌ربط دعوت از مردم برای ورزش‌های همگانی مانند پیاده‌روی، دوچرخه سواری، کوه‌پیمایی، دوهای عمومی و ورزش‌های بومی و محلی است. ورزش همگانی دامنه سنی سه تا بالای هفتاد سال را شامل می‌شود، ورزش‌های همگانی، انواع مختلف فعالیت‌های جسمی اعم از بازی‌های غیر منظم و خودجوش محلی تا تمرین‌های بدنی منظم را دربر گرفته شامل ورزش صبحگاهی، فعالیت در پارک‌ها و فضای باز، کوه‌پیمایی یا

کلاس‌های آمادگی جسمانی می‌شود و عموماً به ورزش‌های گروهی غیر رقابتی و بدون هزینه و یا ارزان قیمت اطلاق می‌شود (سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴: ۱۱). امروزه حدود ۵۰ ورزش در جهان، به عنوان ورزش همگانی شناخته شده است که طیفی از دویدن‌های آرام تا بازی‌های المپیک را در بر می‌گیرد (سمیع‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲۲). نتایج تحقیق مظفری (۱۳۹۳)، نشان داده است که درصد شرکت کنندگان در ورزش‌های همگانی ایران، از قاره آفریقا بیشتر و از سایر قاره‌های جهان، کمتر بود.

هر کسی بر حسب برخی معیارهای اقتصادی، تحصیلی، ثروت شخصی و حرفه به طبقه اقتصادی و اجتماعی خاصی تعلق دارد، که این طبقات اقتصادی - اجتماعی، روی جنبه‌های مختلف زندگی از جمله: میزان گرایش به فعالیت‌های ورزشی تأثیر دارد (بوردیو، ۱۳۸۱). بر حسب نظریه پیر بوردیو^۱ (۱۹۷۹)، مبنی بر تأثیر سرمایه‌های اجتماعی در سبک زندگی، می‌توان گفت: مهم‌ترین عواملی که می‌توانند نحوه توزیع رفتارهای ورزشی در میان اقشار متفاوت جامعه را توضیح دهند، عبارتند از: سرمایه اقتصادی شامل (درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی)، سرمایه فرهنگی شامل (گرایش‌ها و عادات دیرپایی که طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزش‌مندی قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارد) و در نهایت وقت آزاد (بوردیو، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

درک توزیع طبقه در ورزش‌های گوناگون، می‌تواند در نقشه‌های خاص قدردانی و آگاهی آن‌ها ارزیابی شود. طبقات با هزینه‌های متفاوت (اقتصادی، فرهنگی و جسمانی) و منافع به هم پیوسته در ورزش‌های متفاوت مشخص می‌شوند. منافع جسمانی (سلامت، زیبایی، قدرت) که از طریق بدن‌سازی یا به طور غیر مرئی از طریق «حفاظت مناسب» تمرین‌ها حاصل می‌شود. منافع اقتصادی و اجتماعی (حرکت رو به بالا و غیره) و منافع نمادی که با ارزش موقعیتی یا توزیعی هر یک از ورزش‌های مورد توجه پیوند می‌خورد، به طوری که همه یا هر یک از آن‌ها به صورت بیش و کم، کمیاب پذیرفته می‌شود و این کم یا زیادی پیوستگی واضحی با یک طبقه دارد مثل بوکس، فوتبال، راگبی یا بدن‌سازی که خاص طبقه کارگر است. تنیس و اسکی طبقات متوسط بورژوازی و گلف طبقات بالای بورژوازی، منافع سلطه فزاینده‌ای را در رابطه با تأثیرات بدنی به طور آشکار نشان می‌دهد (به طور مثال لاغر شدن، برنزه شدن، عضلانی شدن و غیره) یا گروه‌های منتخب که در سطح بالائی از این ورزش‌ها (گلف، چوگان و غیره) بهره‌مند می‌باشند (بوردیو، ۱۹۷۹: ۲۰). هم‌چنین از نظر تورشتاین و بلن^۲، رقابتی که بین طبقات بالا و پایین به منظور حفظ تمایز پدیدار می‌شود را، از عواملی در جهت اتخاذ سبک زندگی خاص بیان می‌کند. در نتیجه نوع استفاده از اوقات فراغت من جمله: ورزش‌های همگانی، ارتباط مهمی با سبک زندگی طبقات اجتماعی دارد (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۳۵). در شهرهای خلخال و هشجین، ورزش‌های همگانی با هدف تفریح و سلامت، در قالب ورزش‌های بومی و محلی و یا در قالب ورزش‌های صبحگاهی، پیاده‌روی، کوه‌پیمایی، صورت می‌-

¹ Pierre Bourdieu

² Trestein Veblen

گیرد. یافته‌های پژوهشی عابدینی و طالبی (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد نوع ورزش‌های همگانی مورد علاقه شهروندان شهر خلخال ورزش‌های آبی، ورزش‌های بومی- محلی، ورزش بزرگسالان، ورزش کارکنان دولت، ورزش‌های طبیعی مثل کوهنوردی و ...، ورزش صبحگاهی، و داژبال و ... به ترتیب از اولویت‌های ورزش‌های همگانی مورد علاقه شهروندان شهر خلخال محسوب می‌شوند (عابدینی و طالبی، ۱۳۹۶: ۱۴۱).

با توجه به این که شهرهای خلخال و هشجین از شهرهایی هستند که به لحاظ اجتماعی، از فرهنگ سنتی برخوردارند. همچنین به دلیل کمبود امکانات ورزشی (مجموعاً در شهر هشجین دو سالن ورزشی و در شهر خلخال هفت سالن ورزشی وجود دارد)، به نظر می‌رسد گرایش به ورزش‌های همگانی از جمله ورزش‌های بومی- محلی، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از این رو پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در دو شهر خلخال و هشجین با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی- اجتماعی انجام می‌گیرد، تا به این سوال پاسخ دهد این که میزان تفاوت گرایش به ورزش‌های همگانی در دو شهر خلخال و هشجین چگونه است؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب وضعیت اقتصادی- اجتماعی.

اهداف اختصاصی

- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب میزان درآمد افراد
- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب وضعیت مسکن
- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب نوع شغل
- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب سطح تحصیلات
- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب میزان مشارکت اجتماعی
- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب نوع غذای مصرفی
- مقایسه گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب نوع مصرف کالای فرهنگی.

مبانی نظری تحقیق

سلیقه‌های افراد در مصرف فرهنگی در کنار فعالیت‌های فراغت و الگوهای مصرف، از اصلی‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در مطالعات سبک زندگی است (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). بوردیو، بینش جدید خود را بر مبنای ترکیب و بازنگری نظریه‌های مارکس و وبر صورت‌بندی می‌کند (ربانی و شیر، ۱۳۸۸: ۲۱۳). بوردیو، دیدگاه جدیدی را در عرصه اوقات فراغت و سبک زندگی به وجود آورد، او به عرصه و میدان توجه می‌کند. مطابق با هر میدان، سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادت‌واره به وجود می‌آورد. میدان در نظریه بوردیو پهنه اجتماعی کم و بیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌هایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. جامعه در واقع از تعداد بی‌شماری میدان تشکیل شده است؛ میدان دانشگاهی، هنری، صنعت و تجارت، وجود اشکال متفاوت «سرمایه» فراهم کننده ساختاری بنیادین برای سازماندهی عرصه‌ها و به این ترتیب، شکل‌گیری انواع مختلف منش و کنش‌های مرتبط به آن‌هاست. بوردیو ادعا می‌کند «سرمایه جز در ارتباط با یک عرصه وجود و کارکرد ندارد.» (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲۰). به تعبیر بوردیو اگر در صدد فهم جهان اجتماعی هستیم، باید ایده سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم. به اعتقاد بوردیو، سرمایه می‌تواند دارای اشکال مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد (شارع‌پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

بر مبنای دیدگاه بوردیو گذران اوقات فراغت (ورزش‌های همگانی) می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌های خاص باشد که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. در واقع، یکی از کارکردهای اوقات فراغت، تمایز بخشی است (بوردیو، ۱۹۷۹: ۲۰). بنابراین به نظر بوردیو، انتخاب‌هایی که افراد در مورد گزینه‌های فراغت از جمله ورزش‌های همگانی انجام می‌دهند، اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فعالیت‌های فراغتی را می‌آموزند و با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت را تنظیم می‌کنند. با توجه به نظریه بوردیو، شاخص‌های زیر برای هر کدام از سرمایه‌ها در نظر گرفته شده است: درآمد، وضعیت مسکن برای سرمایه اقتصادی؛ نوع شغل فرد و مشارکت اجتماعی شاخصی برای سرمایه اجتماعی؛ سطح تحصیلات و استفاده از کالاهای فرهنگی، شاخصی برای سرمایه فرهنگی و نوع غذای مصرفی برای سرمایه نمادین.

فرضیه‌های تحقیق

۱. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی متفاوت است.

۲. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب میزان درآمد افراد متفاوت است.
۳. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب وضعیت مسکن متفاوت است.
۴. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب نوع شغل متفاوت است.
۵. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب سطح تحصیلات متفاوت است.
۶. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب میزان مشارکت اجتماعی متفاوت است.
۷. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب نوع غذای مصرفی متفاوت است.
۸. گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب میزان مصرف کالای فرهنگی متفاوت است.

روش تحقیق و شیوه نمونه‌گیری

تحقیق حاضر از نظر هدف، توصیفی و از نظر استفاده، کاربردی و از حیث زمانی، مقطعی و از لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه افرادی که در شهر خلخال و هشجین در سال ۱۳۹۵ زندگی می‌کردند که برحسب آمار ارائه شده توسط اداره ثبت احوال شهرستان خلخال افراد بالای ۱۸ سال؛ ۴۷۸۴۸ نفر در قالب ۱۳۱۵۶ خانوار در شهر خلخال و ۷۳۱۵ نفر در قالب ۱۹۸۴ خانوار در شهر هشجین ساکن هستند.

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد نمونه آماری مطابق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری با توجه به وجود اختلاف جمعیت در دو جامعه (شهر خلخال و شهر هشجین) نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد. سپس در هر شهر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد و شهرها با استفاده از آمارهای غیر منتشر شده فرمانداری به سه بخش برخوردار و نیمه برخوردار و غیربرخوردار تقسیم شد و بلوک‌ها و محله‌ها شناسایی شد و منازل مشخص گردید و از افراد بالای ۱۸ سال خلخال و هشجین پرسشنامه‌ها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده از طریق فهرست پلاک‌های منازل تکمیل شد.

**جدول شماره (۱): نحوه توزیع پرسشنامه در دو شهر خلخال و هشجین
بر حسب روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم (pps)**

| شهر | تعداد جمعیت | تعداد نمونه | درصد نسبی |
|-------|-------------|-------------|-----------|
| خلخال | ۴۷۸۴۸ | ۳۲۴ | ٪۸۴ |
| هشجین | ۷۳۱۵ | ۶۰ | ٪۱۶ |
| جمع | ۵۵۱۶۳ | ۳۸۴ | ٪۱۰۰ |

اعتبار و پایایی ابزار

اطلاعات از طریق ابزار پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. میزان گرایش افراد به ورزش‌های همگانی با استفاده از ۹ سوال در قالب طیف لیکرت پنج ارزشی - کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱) مورد سنجش قرار گرفت. هم‌چنین سوال ۲۱ نوع ورزش مورد علاقه پاسخگویان را مشخص می‌کند. برای تعیین پایایی ابزار از روش تعیین آلفای کرونباخ استفاده شده است. (ضریب کلی آلفای پرسشنامه (۸۳)، محاسبه شد که نشان دهنده پایایی مناسب و مطلوب ابزار مورد استفاده می‌باشد و نشان می‌دهد که گویه‌های پرسشنامه از توان بالایی برای سنجش متغیرها برخوردار هستند. در تحقیق حاضر برای تعیین اعتبار سازه^۱ از تحلیل عاملی استفاده شده است. بر اساس نتیجه تحلیل عاملی و با توجه آماره KMO در تمام عامل‌ها می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده و نتیجه آزمون بارتلت^۲ نیز معنی‌دار است.

جدول شماره (۲): نتیجه آزمون بارتلت جهت تعیین اعتبار سازه‌ای متغیرهای پژوهش

| عامل | ضریب عامل | نتیجه کلی KMO |
|--------------------------------|-----------|---------------|
| عامل مشارکت اجتماعی | KMO=۰.۸۱۸ | Sig=0.000 |
| میزان گرایش به ورزش‌های همگانی | KMO=۰.۷۱۸ | Sig=0.000 |
| عامل نوع مواد غذایی | KMO=۰.۷۶۷ | Sig=0.000 |
| عامل استفاده از کالاهای فرهنگی | KMO=۰.۷۵۸ | Sig=0.000 |

^۱ Construct Validity

^۲ Bright Bartlett

تعاریف مفهومی و عملیاتی

گرایش به ورزش‌های همگانی

گرایش، عبارت است از ارزشیابی‌های مثبت و منفی یا احکام ارزشی مطلوب یا نامطلوب درباره اشیا، اشخاص و وقایع. ورزش همگانی و تفریحی به فعالیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش آحاد جامعه اطلاق می‌شود که به طور منظم، توسط فرد یا گروه‌های رسمی و غیررسمی به منظور رفع نیازهای جسمی و روانی با هدف تامین سلامت و نشاط افراد و بهبود روابط اجتماعی آنان به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد (جوادی‌پور، ۱۳۹۰).

در این پژوهش منظور از گرایش به ورزش‌های همگانی چگونگی احساس به آن دسته از ورزش‌هایی است که تحت هر شرایطی قابل اجرا بوده و نیاز به تاسیسات و امکانات تخصصی ویژه‌ای نداشته و برای سلامتی و گذراندن اوقات فراغت به اجرا در می‌آیند. مثل دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی، کوهنوردی، شنا، ماهیگیری.

برای سنجش متغیر گرایش به ورزش‌های همگانی، تعداد ۱۳ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای کاملاً موافق (۵)، کاملاً مخالف (۱) تنظیم شده است. همچنین یک گویه نیز برای تعیین نوع ورزش پاسخگویان (ورزش حرفه‌ای - ورزش همگانی) در نظر گرفته شده است.

وضعیت اقتصادی و اجتماعی

وضعیت اقتصادی و اجتماعی به میزان ثروت، دارایی، متعلقات شخصی و حیثیت و منزلت اجتماعی افراد گفته می‌شود (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۹۳). متغیر وضعیت اقتصادی نیز با استفاده از درآمد ماهانه افراد، وضعیت مسکن (شخصی، استیجاری، سازمانی و رهنی) و نوع شغل مورد سنجش قرار می‌گیرد.

مشارکت اجتماعی

آن دسته از فعالیت‌های ارادی که از طریق آن‌ها اعضای جامعه، در امور محله، شهر یا روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی‌تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

در این پژوهش مشارکت اجتماعی، شرکت ارادی و آگاهانه افراد در فعالیت‌های مدنی (انجمن‌های صنفی، تعاونی‌ها و ...)، فرهنگی و هنری (شرکت در فعالیت‌های علمی، ورزشی و هنری و ...)، مذهبی (شرکت در هیات‌های مذهبی، روضه‌ها و ...)، محلی (همکاری با همسایگان، انجمن اولیا و مربیان مدرسه، فعالیت‌های عمرانی و ...) می‌باشد.

غذاهای مصرفی

برای سنجش این متغیر نوع غذای مصرفی به دو دسته غذاهای سنتی ایرانی (آبگوشت، قورمه‌سبزی، پلو، خورشت فسنجان، انواع آش، انواع سوپ و ...) و غذاهای فست‌فودی (انواع ساندویچ، انواع پیتزا، همبرگر و ...) تقسیم و میزان مصرف هر کدام در قالب طیف لیکرت پنج ارزشی خیلی زیاد (۵) تا خیلی کم (۱) مورد سوال قرار گرفته است.

کالاهای فرهنگی

کالاهای ملموس فرهنگی که با در اختیار قرار گرفتن آن‌ها به انباشت سرمایه فرهنگی منجر می‌شود کالاهای فرهنگی گویند (ابراهیمی و ضیاءپور، ۱۳۹۰: ۱۸). متغیر کالاهای فرهنگی با توجه به سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینی و نهادی بوردیو؛ شاخص‌هایی مانند میزان آشنایی با موسیقی، خط و نقاشی، زبان خارجی، عضویت در کتابخانه، داشتن وسایل هنری در منزل، مطالعه روزنامه و مجله، استفاده از رایانه و گوشی هوشمند، بازدید از اماکن تاریخی و گردشگری مورد سنجش واقع شده است. تمامی گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردید که برای هر گویه، پنج پاسخ (خیلی زیاد، زیاد، تا اندازه‌ای، کم و خیلی کم) در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها

توزیع درصد نسبی میزان گرایش به شرکت در ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی که از درآمد پایینی برخوردارند بدین شرح است: ۶۵.۸۵ درصد سطح پایین و ۳۴.۱۵ درصد در سطح بالاست و در بین پاسخگویانی که درآمد متوسط دارند بدین نحو می‌باشد: ۳۱.۳۱ درصد در سطح پایین و ۶۸.۶۹ درصد در سطح بالاست. این نسبت در بین پاسخگویانی که از درآمد بالایی برخوردارند بدین نحو است: ۱۱.۴۴ درصد در سطح پایین و ۸۹.۴۳ درصد در سطح بالاست. با مقایسه توزیع درصد نسبی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب درآمد مشخص می‌شود با بهبود درآمد افراد میزان گرایش آن‌ها به شرکت در ورزش‌های همگانی بیشتر می‌شود. یافته‌های توصیفی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی، برحسب نوع مسکن نشان می‌دهد درصد نسبی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی که نوع مسکن‌شان استیجاری است بدین شرح می‌باشد: ۳۴.۴۶ درصد در سطح پایین و ۶۵.۵۴ درصد در سطح بالا است. این میزان در بین کسانی که مسکن رهنی دارند ۵۰ درصد در سطح پایین و ۵۰ درصد در سطح بالا قرار دارد. میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی که مسکن شخصی دارند بدین صورت است: ۸.۵۱ درصد در سطح پایین و ۹۱.۴۹ درصد در سطح بالاست. لذا پاسخگویانی که از مسکن شخصی برخوردارند، گرایش بیشتری به حضور در ورزش‌های همگانی دارند. پس می‌توان گفت: میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب نوع مسکن به طور معناداری تغییر می‌یابد. بر اساس یافته-

های توصیفی، میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد بیشترین درصد نسبی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی، در بین افرادی است که تحصیلات‌شان لیسانس است ۹۲.۸۶ درصد. در حالی که کمترین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی، در بین پاسخگویانی است که تحصیلات‌شان زیر دیپلم می‌باشد ۵۰ درصد. با بررسی نتیجه یافته‌های توصیفی مشخص شد میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب نوع شغل بدین صورت است که: میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین دانش‌آموزان و دانشجویان ۷۸.۷ درصد بالاترین و در بین کشاورزان ۵۲.۱۷ درصد کمترین می‌باشد. بر طبق یافته‌های توصیفی میزان گرایش به شرکت در ورزش‌های همگانی بر حسب مشارکت اجتماعی، مشخص شد میزان گرایش به شرکت در ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی که مشارکت اجتماعی‌شان بالاست؛ ۹۴.۱۶ درصد و کمترین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی است که مشارکت اجتماعی پایینی دارند ۴۲.۸۵ درصد. یافته‌های توصیفی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب نوع غذاهای مصرفی پاسخگویان، نشان می‌دهد بیشترین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افرادی است که نوع غذاهای مصرفی‌شان سنتی است ۷۲.۶۴ درصد و کمترین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی است که نوع غذاهای مصرفی‌شان فست‌فودی است ۴۵.۹۷ درصد. همچنین نتیجه یافته‌های توصیفی مشخص کرد بیشترین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افرادی است که از کالاهای فرهنگی بیشتری استفاده می‌کنند ۷۶.۹۲ درصد و کمترین میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین پاسخگویانی است که استفاده کمتری از کالاهای فرهنگی دارند ۵۳.۰۹ درصد. بر اساس یافته‌های توصیفی میزان گرایش آزمودنی‌ها به ورزش‌های همگانی بیش از حد متوسط می‌باشد. به طوری که میانگین گویه‌های گرایش به ورزش‌های همگانی $\mu=32.5$ و میانگین نمره پاسخ دهندگان $\mu=39.12$ می‌باشد. همچنین یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میزان گرایش شرکت در ورزش‌های همگانی در شهر هسجین ۳۰ درصد در سطح پایین و ۷۰ درصد در سطح بالا می‌باشد. این میزان در خلخال ۱۳.۲۷ درصد در سطح پایین و ۸۶.۷۳ درصد در سطح بالا می‌باشد.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هسجین متفاوت است.

با توجه به این که متغیر محل سکونت شهری پاسخگویان دو شهر خلخال و هسجین بوده و متغیر اسی دو وجهی است، به سطح فاصله‌ای تقلیل یافته و متغیر میزان گرایش به ورزش‌های همگانی نیز در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده و برای تعیین تفاوت میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افراد ساکن در دو شهر خلخال و هسجین از آزمون t مستقل استفاده شده است. بر حسب نتیجه آزمون، مقدار t محاسبه شده برابر با $t=5.446$ و $p<0.0001$ تعیین گردیده است. لذا فرضیه پژوهش مبنی بر وجود تفاوت در میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افراد ساکن در شهرهای خلخال و هسجین تایید می‌گردد.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب درآمد افراد متفاوت است.

سنجش میزان درآمد، بدین نحو بود که این متغیر در سه سطح درآمد پایین، متوسط و بالا کدگذاری شد و در ادامه میزان گرایش به ورزش‌های همگانی با استفاده از آزمون F مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه آن بدین نحو است: ($F=44.803$ و $p<0.05$) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌گردد. به عبارتی با تغییر در درآمد افراد، گرایش به ورزش‌های همگانی تغییر می‌یابد. تفاوت دو به دو، میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب میزان درآمد افراد نشان می‌دهد تفاوت معناداری در گرایش به ورزش‌های همگانی در بین گروه‌های درآمدی پایین و بالا دیده می‌شود. (* $F=6.8289$)=اختلاف میانگین، $p<0.05$. به عبارتی با افزایش درآمد گرایش به ورزش‌های همگانی بالا می‌رود.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب وضعیت مسکن متفاوت است.

متغیر وضعیت مسکن پاسخگویان در سه شاخص (استیجاری، رهنی و شخصی) در سطح اسمی مورد سوال قرار گرفت. برای استفاده از آزمون پارامتریک (آنوا) مجدد کدگذاری و به صورت مجازی به سطح فاصله‌ای تبدیل شد و نتیجه آزمون F نشان می‌دهد: ($F=71.822$ و $p<0.05$)، پس می‌توان گفت میزان گرایش به ورزش‌های همگانی بر اساس متغیر وضعیت مسکن متفاوت است. لذا فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. تفاوت دو به دو، میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب نوع مسکن افراد نشان می‌دهد، تفاوت در گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افرادی که نوع مسکن - شان رهن و شخصی است از تفاوت نوع مسکن رهن و استیجاری بیشتر است (* $F=8.4024$)=اختلاف میانگین، $p<0.05$.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب نوع شغل متفاوت است.

متغیر نوع شغل افراد در شش سطح اسمی مورد سوال قرار گرفت. آزمون واریانس ($F=24.879$) و ($p<0.05$) را نشان می‌دهد، پس می‌توان گفت برحسب نوع شغل افراد میزان گرایش به ورزش‌های همگانی متفاوت است. در نتیجه فرضیه پژوهش تایید می‌گردد. تفاوت دو به دو میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهر خلخال و هشجین بر حسب نوع شغل افراد نشان می‌دهد تفاوت در میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افرادی که در حال تحصیل یا دانش‌آموز و کارگر هستند میزان اختلاف بیش از بقیه مشاغل در گرایش به ورزش‌های همگانی دیده می‌شود (* $F=11.3537$)=اختلاف میانگین، $p<0.05$.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی بر حسب سطح تحصیلات پاسخگویان متفاوت است.

چون متغیر سطح تحصیلات در طیف پنج‌گانه رتبه‌ای اندازه‌گیری و از آزمون واریانس یکطرفه استفاده شد. آزمون واریانس یکطرفه نشان می‌دهد ($F=51.015$ و $p<0.05$) می‌باشد. لذا فرضیه پژوهش مبنی بر وجود

تفاوت در میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب سطح تحصیلات تأیید می‌گردد. تفاوت دو به دو، میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب سطح تحصیلات افراد نشان می‌دهد تفاوت در گرایش به ورزش‌های همگانی در بین افرادی که تحصیلات‌شان سیکل و فوق لیسانس و بالاتر است میزان اختلاف بیش از بقیه مقاطع تحصیلی است (* 13.1111)=اختلاف میانگین، $p < 0.05$.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب مشارکت اجتماعی متفاوت است.

متغیر مشارکت اجتماعی در طیف چهار درجه‌ای لیکرت مورد سنجش واقع شد. سپس با تبدیل آن به سطح (مشارکت پایین، متوسط و بالا) با استفاده از آزمون F گرایش به ورزش‌های همگانی مورد سنجش قرار گرفت. در نتیجه ($F=16.686$ و $p < 0.05$) به دست می‌آید؛ لذا می‌توان پذیرفت که میزان گرایش به ورزش‌های همگانی براساس مشارکت اجتماعی افراد تغییر می‌یابد. پس فرضیه پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب نوع غذاهای مصرفی متفاوت است.

با توجه به این که متغیر نوع غذاهای مصرفی (سنتی و فست‌فود) متغیر اسمی دو وجهی است و متغیر گرایش به ورزش‌های همگانی نیز در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده برای تعیین تفاوت میزان گرایش به ورزش‌های همگانی برحسب نوع غذاهای مصرفی از آزمون t مستقل استفاده شده است و مقدار t محاسبه شده برابر با ($t=36.245$ و $p < 0.001$) تعیین گردیده است. لذا فرضیه پژوهش مبنی بر وجود تفاوت در میزان گرایش به ورزش‌های همگانی بر اساس نوع غذاهای مصرفی تأیید می‌شود و میزان گرایش به استفاده از غذاهای فست‌فود کمتر از غذاهای سنتی است.

- میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین بر حسب مصرف کالاهای فرهنگی متفاوت است. متغیر میزان مصرف کالاهای فرهنگی در سه سطح (پایین، متوسط و بالا) مورد سنجش قرار گرفت، نتیجه آزمون واریانس نشان می‌دهد که ($F=50.017$ و $p < 0.05$)، پس می‌توان گفت بر حسب میزان استفاده از کالاهای فرهنگی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی متفاوت هست. لذا فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. تفاوت دو به دو میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در شهرهای خلخال و هشجین برحسب استفاده از کالاهای فرهنگی نشان می‌دهد تفاوت معناداری در میزان گرایش به ورزش‌های همگانی در بین گروه‌های استفاده از کالاهای فرهنگی پایین و بالا دیده می‌شود (* 13.8779)=اختلاف میانگین، $p < 0.05$. به عبارتی با افزایش میزان استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان گرایش به ورزش‌های همگانی بیشتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بر حسب نظریه بورديو، سرمایه نقش تعیین کننده در عادت‌واره افراد دارد و افراد با عادات مختص به خودشان دست به رفتار می‌زنند. در این پژوهش میزان گرایش به ورزش‌های همگانی به عنوان نوعی از سبک زندگی بر حسب هر کدام از سرمایه‌ها؛ میزان درآمد و وضعیت مسکن (سرمایه اقتصادی)، مشارکت اجتماعی و نوع شغل (سرمایه اجتماعی)، استفاده از کالاهای فرهنگی و سطح تحصیلات (سرمایه فرهنگی)، نوع غذاهای مصرفی (سرمایه نمادین) (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۴۰)، مورد مقایسه قرار گرفت. با بررسی شاخص‌های وضعیت اقتصادی و اجتماعی (سرمایه‌های پاسخگویان به قول بورديو) مشخص شد میزان گرایش به ورزش‌های همگانی بر حسب هر کدام از شاخص‌ها تغییر می‌کند. به عبارتی میزان گرایش به ورزش‌های همگانی بر اساس میزان درآمد، وضعیت مسکن، مشارکت اجتماعی، نوع شغل، استفاده از کالاهای فرهنگی، سطح تحصیلات و نوع غذاهای مصرفی متفاوت است. نتیجه یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق جلالی (۱۳۹۰)، و وایت و ویلسون (۲۰۰۲)، همسویی دارد. خلاصه این که افراد متعلق به طبقه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر به طور معمول رابطه ابزاری با بدن‌شان دارند. یعنی بدن‌شان، ابزاری برای نان در آوردن و کار کردن است. لذا توجه به ورزش‌های همگانی در بین این افراد پایین‌تر است و از طرفی با کاهش سرمایه فرهنگی، فرهنگ سلامت و بهداشت، کاهش می‌یابد. به طوری که تغذیه ناسالم و استفاده از فست‌فودها، در برنامه غذایی رابطه معناداری با میزان گرایش به ورزش‌های همگانی دارد. همچنین داشتن درآمد مناسب و تامین معیشت، باعث ایجاد انگیزه و گرایش به ورزش‌های همگانی می‌شود. چرا که تا نیازهای ابتدایی و اولیه انسان تامین نشود، فرد به نیازهای بالاتر خود از جمله استفاده مناسب از اوقات فراغت (ورزش‌های همگانی) فکری نکرده و هیچ گونه علاقه، انگیزه و رغبتی نشان نخواهد داد. در نهایت میزان گرایش به شرکت در ورزش‌های همگانی در شهر خلخال بیشتر از شهر هشجین است.

منابع

- بورديو، پیر. (۱۳۸۱). **نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی**. ترجمه: مرتضی، مردیها. تهران: نشر نی.
- جلالی‌پور، حمیدرضا؛ و محمدی، جمال. (۱۳۸۲). **نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی**. تهران: نشر نی.
- جلالی، سیده فاطمه. (۱۳۹۰). **رابطه وضعیت اجتماعی - اقتصادی و انگیزه‌های شرکت در ورزش‌های همگانی**. پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد. واحد علوم تحقیقات تهران.
- جوادی‌پور، محمد. (۱۳۹۰). **برنامه راهبردی فدراسیون ورزش‌های همگانی**. طرح پژوهشی وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون ورزش‌های همگانی.
- ربانی، رسول؛ و شیرینی، حامد. (۱۳۸۸). **اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دوره دوم، شماره ۸.
- زنگی‌آبادی، علی. (۱۳۸۸). **تحلیل پراکنش فضائی میلمان ورزشی در پارک‌های شهری و تأثیر آن بر رضایت و استقبال شهروندان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی گروه جغرافیا**. سال اول، شماره ۹.
- سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۴). **مطالعات تفضیلی توسعه فرهنگ ورزش**. تهران: انتشارات سیب سبز.

- سمیع‌نیا، مونا؛ پیمانی‌زاد، حسین؛ و جوادی‌پور، محمد. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ورزش همگانی در ایران و ارائه راهکارهای توسعه بر اساس مدل SWOT. **مطالعات مدیریت ورزشی**. شماره ۲۰، صص ۲۲۱-۲۳۸.
- شارع‌پور، محمود؛ و خوشفر، غلامرضا. (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهر تهران)، **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۰.
- عابدینی، صمد؛ و طالبی، شیدا. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال، **جامعه‌شناسی کاربردی**. سال بیست و هشتم، شماره پیاپی ۶۵، شماره اول، صص ۱۳۲-۱۴۴.
- غفوری، فرزاد؛ هنرور، افشار؛ هنری، حبیب؛ و علی، منیره. (۱۳۸۶). **مطالعه انواع ورزش‌های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه‌ریزی‌های آینده**. طرح پژوهشی سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
- قره، محمدعلی. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب، **فصلنامه فیزیولوژی ورزشی**. سال اول. شماره ۲.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۶). **درآمدی بر جامعه‌شناسی**. ترجمه: محسن، ثلاثی. تهران: انتشارات توتیا، چاپ سیزدهم.
- گائینی، عباسعلی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز ورزش همگانی، **فصلنامه رشد آموزش تربیت بدنی**. سال دوم. شماره ۲.
- مظفری، میراحمد. (۱۳۹۳). وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، **فصلنامه علوم حرکتی و ورزش**. دوره سوم. شماره ۶.
- مظفری، میراحمد؛ و قره، محمدعلی. (۱۳۸۴). وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، **نشریه علوم حرکتی و ورزش**. شماره ۶، صص ۱۷۱-۱۵۱.
- ممتازبخش، مریم؛ و فکور، یوسف. (۱۳۸۶). بررسی راهکارهای ارتقاء و توسعه ورزش همگانی بانوان دانشگاه علوم انتظامی، **فصلنامه دانش انتظامی**. سال نهم. شماره دوم.
- ولین، تورستاین. (۱۳۸۶). **نظریه طبقه تن‌آسا**. ترجمه: فرهنگ، ارشاد. تهران: نشر نی.
- Bourdieu, P. (1979). **Distinction: Critique Socialo du Jugement Coll Sens Commun**. Paris: Minuit.
- White, P. & Wilson, B. (2002). "Distinctions in the Stands. an Investigation of Bourdieu's Habitus. Socioeconomic status and Sport Spectator Shipin Canada", **International Review for the Sociology of Sport**. 37 (1), P.p: 5-16.